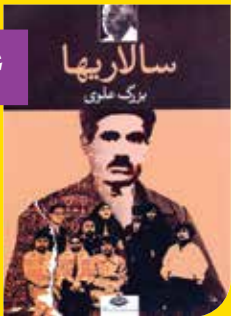


سالاری‌ها

۴



رمان «سالاری‌ها»، روایتی است از خاندان مرفه و ثروتمند سالاری که از جمله بزرگ‌ترین صاحبان املاک و زمین‌داران در شهر بروجرد به حساب می‌آیند. در عظمت و نفوذ خاندان سالاری همین بس که حتی دامادهای این خاندان، نام‌های خانوادگی خود را به سالاری تغییر داده‌اند. اما این خانواده یک راز بزرگ دارد و آن هم منبع و منشأ ثروت سرشاری است که نصیب آنها شده است.

ورق‌پاره‌های زندان

۵



«ورق‌پاره‌های زندان» شامل پنج داستان کوتاه است. بزرگ علوی این داستان‌ها را در فاصله سال‌های ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۰ در زندان قصر به رشته تحریر درآورد. او در مدت این چهار سال، از هر چیزی که می‌شد روی آن نوشت، برای به نگارش درآوردن داستان‌هایش استفاده می‌کرد و این اشیا که گاه پاکت سیگار و گاه تکه‌ورق‌هایی پاره بودند، به «ورق‌پاره‌های زندان» مشهور شدند. علوی در این داستان‌ها تلاش کرد تا شرایط سیاسی آن زمان را در کنار وضعیت زندانیان، به خوبی توصیف کند.

پنجاه و سه نفر

۶



بزرگ علوی در این کتاب داستان گروهی را روایت می‌کند که در دوران پهلوی به دلیل فعالیت‌های سیاسی به مدت ۴ سال به زندان افتاده‌اند. این گروه مشتمل بر ۵۳ نفر بوده که شخصیت محوری آن نیز دکتر تقی ارانی بوده و خود نویسنده هم یکی از اعضای این گروه بوده است. نویسنده از خلال این داستان در پی آن است که خواننده با دوره سیاه عمیقاً آشنا شود. داستان کتاب را با محاکمه این گروه ۵۳ نفری ادامه می‌دهد.

فریادی-نچیه‌ای پس انداخت که دخترهایش شلاقش بودند و پسرهایش به بهانه درگیری در مبارزه اجتماعی، به معشوقه بی‌اعتنایی و جفا می‌کردند.

استاد در جریان اعتراضات، دستگیر می‌شود. فرنگیس برای نجات او فداکاری می‌کند و حاضر به ازدواج با سرهنگ آرام می‌شود. استاد به تبعیدگاه کلات می‌رود و فرنگیس رهسپار اروپا می‌شود. سال‌ها بعد در مجله‌ای که خبر مرگ استاد را چاپ کرده، با تصویر پرده نقاشی چشم‌هایش مواجه می‌شود.

کلود سیمون، نویسنده فرانسوی می‌گوید: «هر بار که نویسنده یا هنرمندی به شیوه‌ای کمی جدیدتر با جهان سخن می‌گوید، جهان تغییر می‌کند.» شخصیت فرنگیس، از معدود شخصیت‌های اعترافی ادبیات معاصر ایران به شمار می‌آید. جوان نقاش روی جلد قلمدان، بیدار شده از خوابی تاریخی، این سوال را مطرح می‌کند: من کی‌ام و کجای جهان ایستاده‌ام؟ پرسشی که انسان ایرانی در آستانه روزگار نو و در ملتقای برخورد تجدد با جامعه‌ای سنتی مطرح می‌کند.

انتشار این رمان واکنش‌های متفاوتی را برانگیخت. کسانی بر آن، از جهت زمینه سیاسی ماجرایش، خُرده گرفتند، مثلاً جلال آل‌احمد صفحاتی از آن را مشابه مقالات روزنامه‌های حزبی بازشناخت. منتقدانی همچون به‌آذین، همدلی نویسنده با شخصیت فرنگیس را مهم‌ترین مشکل رمان می‌دانند و علوی را نکوهش می‌کنند که استاد مبارز را به قدر کافی مثبت تصویر نکرده!

در عرصه نقد ادبی ایران، بزرگ علوی به عنوان مشهورترین نویسنده چپ‌گرای ایران، موضوع بحث و جدل بوده است؛ عده‌ای برایش دل سوزانده‌اند و عده‌ای بر او خُرده گرفته‌اند.

نکنه قابل‌تامل و تاسف اینجاست که پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ به رهبری لنین (سال ۱۲۹۶ خورشیدی)، از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ بسیاری از آثار ادبی ایران و شبه‌روشنفکران و مبارزان مسلح که کشور را با شرایطی آشفته و بحران‌زده روبه‌رو می‌دیدند، بدون هیچ اطلاع و آگاهی از نظام سیاسی و اندیشه سوسیالیستی لنین و استالین، با خوشحالی از تحولات همسایه شمالی استقبال کردند و نام و توان قلمی خود را در خدمت آرمان‌های سوسیالیستی و انقلاب روسیه شوروی می‌گذارند؛ نمونه آن شخصیت «استاد ماکان» رمان «چشم‌هایش» است. اگر روشنفکری دوره مشروطه خاستگاهی عمدتاً روسی داشت، روشنفکری دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ بر اساس معیارهای ایدئولوژیک سوسیالیسم روسی تعریف شده است.

بزرگ علوی می‌خواست نویسنده شود، اما هر بار سیاست، زندان، فعالیت حزبی و تبعید مانعی سد راه او برای آفرینش ادبی می‌شد، آنطور که خودش می‌گفت: «وقتی می‌بینم که همکاران من چه آثار باارزشی نوشته‌اند... دلم آکنده از غم می‌شود که چنته من خالی است و از خود می‌پرسم چه شد که می‌خواستی نویسنده بشوی وسط راه ماندی.»

«در سَمفونی‌ها گاه‌گاهی آهنگی آرام و کم از میان هیاهوی ارکستر رخنه می‌کند. این آهنگ خفیف و لطیف پخش می‌شود، اما به دل شما می‌نشیند. شما دائماً انتظارش را دارید. باز این صدای خفیف تکرار می‌شود. منتها این دفعه بیش از بار اول شما را می‌گیرد. کم کم تمام ارکستر یک‌صدای همان آهنگ دلخواه شما را با چنان قدرتی بیان می‌کند که دیگر اختیار از دستتان درمی‌رود. مصیبت‌های جگر خراش هم همین‌طور بروز می‌کند. انسان اول تمام عمق آنها را ادراک نمی‌کند. گاهی خودی نشان می‌دهند و در نیستی فرومی‌روند. ناگهان تمام ارکستر به صدا درمی‌آید. آن وقت اشک از چشم‌های شما جاری می‌شود و خودتان نمی‌دانید برای چه گریه می‌کنید...»

ادبی و حزبی را برانگیخت. آنان از نویسنده می‌خواستند واقعیت را از پس عینک مرامی و ایدئولوژیک ببیند و هنر را به خدمت سیاست حزبی درآورد. می‌توان بزرگ علوی را از نخستین داستان‌نویسان ایرانی شمرده که در توجه به «دیدگاه» و اینکه چه کسی از چه زاویه‌ای واقعیت را می‌بیند و ماجرا را روایت می‌کند، رویکردی مدرن دارد. بیهوده نیست که خانلری داستان‌های او را «خوش‌ساخت» می‌خواند، انتخاب دیدگاه مناسب نمودار آشنایی او با فنون داستان‌نویسی است.

«چشم‌هایش» در اردیبهشت ۱۳۳۱ منتشر شد. در سال ۱۹۵۹، با ترجمه هربرت مالتزیک و به کمک علوی، به زبان آلمانی و در سال ۱۹۸۸ به قلم آ. کین به انگلیسی ترجمه شد؛ و جوزف بیلووسکی آن را به زبان لهستانی برگرداند. حسن میرعابدینی معتقد است که این رمان، یکی از «۱۰ رمان بزرگ ایران» است.

این رمان، در خلال روایت، حوادث تاریخی و اجتماعی دوره سلطنت رضاشاه را به تصویر می‌کشد. «استاد ماکان»، نقاش مبارز، در تبعید جان سپرده است و راوی داستان، «ناظم» مدرسه نقاشی، برای نوشتن شرح احوال استاد می‌کوشد به اسرار زندگی عاشقانه او پی برد. ناظم نخست باید راز چشم‌های منقوش بر آخرین پرده نقاشی استاد را کشف کند. پس جست‌وجویی را آغاز می‌کند. نویسنده پرسش‌هایی را پیش‌روی خواننده می‌گذارد و، با ایجاد شک و تردید و به تأخیر انداختن پاسخ، او را به خواندن ادامه داستان ترغیب می‌کند. قدرت نویسنده در به‌کارگیری شوگرد ادبی «جست‌وجو برای کشف» و ایجاد تعلیق و کشش داستانی مناسب (مثلاً: بعد چه می‌شود؟) باعث می‌شود این رمان در زمینه جذب مخاطب بسیار موفق عمل کند.

در فصل دوم، ناظم با فرنگیس، ملاک‌زاده زیبا و جسور که در سالمرگ استاد به دیدن تابلوهای او آمده است، روبه‌رو می‌شود. توصیف نقشه‌های ذهنی او برای حرف کشیدن از زن، مهارت نویسنده در بازنمایی درون چهره‌های داستانی را نمودار می‌سازد. فرنگیس برای آموختن نقاشی نزد استاد رفته و عاشق او شده است، اما چون بی‌اعتنایی عارف‌منشانه معشوق را دیده، رهسپار پاریس شده است. ولی حین شرح وقایع، درباره گذشته به داوری می‌نشیند که سبب گسترش رئالیسم روانی داستان و خصوصیات روحی قهرمان داستان می‌شود: «آیا این چشم‌ها از آن یک زن پرهیزکار از دنیا گذشته بود یا زن کامبخش و کامجویی که دنبال طعمه می‌گشت.» استادی نویسنده در نشان دادن تناقض‌های درونی و احساسات دوگانه فرنگیس چشمگیر است. فرنگیس در پاریس در مدرسه هنری ثبت‌نام می‌کند. فرنگیس، ناتوان از آموختن نقاشی و خسته از یکنواختی، به فکر خودکشی می‌افتد. اما آشنایی با «خداداد»، دانشجوی مبارز ایرانی، سبب تغییر روحیه و توجه او به مسائل اجتماعی می‌شود. گزارش نویسنده از زندگی دانشجویان مبارز ایرانی مقیم اروپا، ریشه در تجربه زندگی نویسنده دارد، که واقع‌گرایی داستان را تقویت می‌کند. خداداد، تصور فرنگیس را از استاد تغییر می‌دهد و از او می‌خواهد به ایران بازگردد و با استاد دیدار و همکاری کند. فرنگیس به ایران برمی‌گردد. پس از ملاقات با او، درگیر مسائل جنبش اعتراضی در مخالفت با رژیم می‌شود. استاد ماکان درگیر سیاست شده، فرنگیس به دلیل اینکه استاد را به عشق خود گرفتار کند، به جریان اعتراضی می‌پیوندد؛ در حالی که استاد ماکان به عشق او توجهی نشان نمی‌دهد. ولی به مرور زمان عاشق فرنگیس می‌شود، اما عشق خود را بروز نمی‌دهد. استاد از عشق می‌گریزد تا وظیفه سیاسی و اجتماعی خود را انجام دهد.

رمان «چشم‌هایش»، رماتی است که به قول م. آزاد (ماهنامه آرش، خرداد ۱۳۴۲) یک نسل خواننده



این رمان، در خلال روایت، حوادث تاریخی و اجتماعی دوره سلطنت رضاشاه را به تصویر می‌کشد. «استاد ماکان»، نقاش مبارز، در تبعید جان سپرده است و راوی داستان، «ناظم» مدرسه نقاشی، برای نوشتن شرح احوال استاد می‌کوشد به اسرار زندگی عاشقانه او پی برد. ناظم نخست باید راز چشم‌های منقوش بر آخرین پرده نقاشی استاد را کشف کند. پس جست‌وجویی را آغاز می‌کند.